www.jamejamdaily.ir

جام جم

jamejamdaily.ir

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه
۵

یکشنبه ۴ تیر ۱۴۰۲

بررسی واکنش‌ها به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با کارشناسان

تهاجم با انگیزه‌های ضدقانونی

۶

رسانه

پرونده «جام جم» برای سریال‌هایی که به‌زودی راهی آنتن سیما می‌شود

روزهای داغ تلویزیون در راه است

۸

سینما

پنجاهمین سالگرد فیلم «جن‌گیر»؛ پشت‌پرده ۱۱ سپتامبر و تقابل غرب با اسلام

نیم قرن جن‌گیری در سینمای هالیوود

۱۰

رسانه

در گفت‌وگوی «جام جم» با تهیه‌کننده مجموعه مستند «پروانه» عنوان شد

زنان تاثیرگذار به روایت لعیا زنگنه

۷

یادداشت

تغییر منطق اجتماعی در نظام جدید جهانی

احمد میراحسان
نویسنده و پژوهشگر

تغییر ظاهر مصرف‌گرایی و ایدئولوژی مصرف در نظام نوین جهانی‌سازی و سازماندهی واحد کشورهای جهان تحت لوای نگاه سرمایه‌سالار و خودبنیان‌انگاری مدرن و جهان‌بینی نیست انگارانه پسامدرن و تحمیل مقتضیات این تغییر و دولت جهانی سایبرنتیک و هوش مصنوعی و تمدن استکباری تکنولوژیک جدید و پساصنعتی، گفتاری را آغاز کرد که پنج خطر و تحمیل در این تغییر را در ضدیت با اسلام برشمردم. اکنون پیش از ادامه نکته ششم را به توضیحی مقدماتی اختصاص و بعد بحث را ادامه می‌دهم.

موضوع مدافعان پیوستن و بهتر بگویم تسلیم به تغییرات جهانی و نفی نگاه انتقادی از موضع اسلام به آن بس اهمیت دارد. همان طور که مدرنیت غربی در حال فروپاشی کنونی، اقشار اجتماعی مدرن لیبرال و غربگرای برآمده از مناسبات ساختی پیرامونی در ایران را و روشنفکران این قشر متوسط مدرن را به پایه داخلی خود بدل کرد، راه تغییرات استکباری هم قشر مناسب مدافع جامعه مصرفی خود را گرد خواهد آورد، به‌ویژه با صورتک مدافع ولایت فقیه. اینان بروکرات‌ها و تکنوکرات‌های دولتی و دیگر نیروهای مدیریتی و متخصصان با سیماچه مدافع ولایت فقیه و راه امام (ره) می‌توانند باشند که از جهاد، خسته و در پی رفاه و قدرت و دنیاخواهی، اسیر شیطان تغییرات شیطانی جهان می‌شوند و آن را پرستش کرده و تمایزش را با راه عدالت اسلامی و راه انتظار موعود (عج) و خواست انقلاب اسلامی و تفسیر انقلابی امام (ره)، نفی می‌کنند. به یاد آوریم بردگی قبلی و سنخیت با نظام آمریکایی به وسیله نئولیبرال‌های درون حکومت حتی پس از انقلاب ادامه یافت و بقای ساختار پیرامونی میراث پهلوی پس از انقلاب، سبب شد از درون حکومت و جمهوری اسلامی نیروهای سست ایمان غربگرا سر بر آورند که مرجعیت‌شان و آموختار فکری و دانشگاهی و ایدئولوژیک‌شان، عقل و علم مدرن بود و طبقه اجتماعی وابسته به مناسبات سرمایه سالار را نمایندگی می‌کردند و همه تلاش‌شان را به نام احزاب مدعی سازندگی و اصلاح‌طلبی برای عمل ارتجاعی تبعیت از ساختار سرمایه‌سالاری غربی و افق فرهنگی و زندگی مربوط به آن به کار بستند که آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظام دینی با مرجعیت اسلام، قرآن و اهل بیت‌الوحی و راه امام (ره) را تحریف و در راه و جهان مدرن مستحیل سازند. همین رویداد از درون حاکمیت در ارتباط با تغییرات جهانی می‌تواند رخ دهد.

من پنج مورد از موارد تداوم جامعه رفاه دنیاگرایانه مصرفی و ضد آرمان انقلاب اسلامی و استقلال اسلام از راه تغییرات الحادی را برشمردم. نکته دیگر، موضوع تغییر منطق اجتماعی مصرف در نظام جدید جهانی است که مطلقا با نگاه تغییر طلب اسلام فرق دارد. نفی اسراف در انقلاب اسلامی و نفی جامعه مصرفی ریشه هستی‌شناسی وانسان‌شناسی دارد و از یکتاپرستی جدایی‌ناپذیر است. حال اگر سرمایه‌سالاری به هرسبب تحول ساختاری و جهانی‌سازی اقتدار سرمایه و هر سبب دیگر و تحول و نیازهایش و تحکیم سلطه جهانی نوی تکنولوژیک و راه بردگی جدید، در پی تغییر بر آید، این تغییر ضروری نظام جهانی موجود را نباید با تغییرطلبی عدالت محور اسلامی همسان وانمود کرد که جداناپذیر از جهان‌شناسی و خداشناسی و نفس‌شناسی انسانی در اسلام است. نظام استکباری آمریکایی رو به افول نام کاذب جامعه رفاه را برای فریب و نهان داشتن علت اصلی وفور کالا وسرسام مصرف فاجعه و نشر ایدئولوژی رفاه، برگزیده بود و در تغییرات امروزی می‌تواند نام عدالت و صلح و جهانی‌سازی و چند جانبه‌گرایی برگزیده و پذیرفته شود یا هر نام. ما نباید عقل مستقل الهی خود را تعطیل کنیم و ابزار منفعل این تغییرات گردیم.

زاویه‌دید

بررسی پول‌پاشی برای تحرک سپاه ابرهه علیه یک مصوبه قانونی

منتقد یا مهاجم مسأله این است!

همچنان که پیش‌بینی می‌شد، فضای مقابله و درگیری از سوی ذی‌نفعان پلتفرم‌ها و شبکه نمایش خانگی با صداوسیما وارد فاز جدیدی شده است.

هفته گذشته شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس شورا تشکیل و با صدور مصوبه‌ای، وظیفه نظارت در حوزه سکوهای صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی را طبق قانون اساسی و قوانین موضوعه، برعهده سازمان صداوسیما گذاشت. صدور این مصوبه فصل‌الخطاب برای جماعتی بود که با وجود فوندانسیون قانونی ساترا به عنوان بازوی اجرایی سازمان صداوسیما در حوزه تنظیم‌گری رسانه‌های فراگیر را از نظر قانونی مورد هجمه قرار داده بودند و با ایجاد حواشی، مانع از اقدام تنظیم‌گری سریع و کامل می‌شدند. این در حالی است که در تمام طول عمر سکوهای پخش فیلم و سریال نمایش هنجارشکنانه کارهایی چون استعمال سیگار و موادمخدر و مصرف مشروبات، ترویج ارتباطات غیراخلاقی، عادی‌سازی بزه‌های اجتماعی، ترویج اندیشه‌های الحادی و... بسیاری از خانواده‌ها را نسبت به تماشای این آثار بدبین کرده بود. کار به جایی رسید که افراد از تماشای این آثار در کنار خانواده‌های‌شان شرم داشتند. این درحالی است که قرار بود پلتفرم‌های رسمی فضای امن فرهنگی برای خانواده‌ها باشد. این فضا همچنین به آفات دیگر نیز آلوده شد؛ به عنوان مثال هیچ توضیحی برای پول‌هایی با منبع نامشخص که از آن به عنوان پول‌های کثیف یاد می‌شود و بی‌حساب و کتاب در شبکه نمایش خانگی ردوبدل می‌شود، وجود ندارد و مشخص نیست چه کسانی از این بازی‌ها سود می‌برند و البته در این بین چه بر سر ذائقه مخاطب می‌آید! پول‌های کثیفی که در بزنگاه‌های قانونی سپاهی متشکل از وکیل و مدیر و رسانه و صنف و ... را در مقابل قانون به صف می‌کند.

جوزدگی فراموشکاران!

درپی انتشار این خبر چند تن از هنرمندان و بازیگران ذی‌نقش در تولید سریال‌های عرضه پلتفرم‌ها و نمایش خانگی با انتشار یک استوری مشترک در شبکه‌های مجازی تلاش کردند یک جریان اعتراضی برساخته را علیه این مصوبه قانونی راه بیاندازند. گویا آنها فراموش کردند که رئیس‌جمهور، چهار سال پیش هم در تصویب چنین مصوبه‌ای پیش‌دستی کرده بود و از همان زمان هم اصرار داشت، صداوسیما نقش نظارتی محکم و مهمی در این عرصه داشته باشد. این واکنش آن‌قدر رو و نخ‌نما ست که مدیر اجرایی یکی از پلتفرم‌های فعال به انتقاد از غلبه جوزدگی بر استوری مشترک گروهی از هنرمندان علیه ساترا تاکید کرد: «بی‌سواد نباشیم! جو ندهیم! با بی‌سوادی و جوزدگی کارها را از این سخت‌تر نکنیم!»

آب را گل آلود کن

سال‌ها موضوع تعیین تکلیف نظارت بر محتوای وی‌اودی‌ها در حالی میان صداوسیما و وزارت ارشاد مورد پاسکاری قرار می‌گرفت که اساسا وظیفه نظارت بر محتوا بر حسب آنچه در قانون آمده وظیفه صداوسیما است. در نظام حقوقی ایران مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی سازمان صداوسیما متولی اصلی رسانه در کشور است و براساس اصل ۴۴ قانون اساسی اداره رادیو و تلویزیون در کشور بر عهده بخش دولتی است. کما این‌که ماده ۷ اساسنامه سازمان صداوسیما مصوب ۱۳۶۲ نیز مقرر می‌کند: «تأسیس فرستنده و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در هر نقطه کشور در انحصار این سازمان بوده و چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی اقدام به تأسیس یا بهره‌برداری از چنین رسانه‌هایی کنند از ادامه کار آنان جلوگیری به عمل آمده و تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت». در نظام حقوقی ایران، اداره رسانه در صلاحیت ذاتی سازمان صداوسیماست. لذا این امر و تغییر قالب‌های رسانه به این معنانیست که قانون نادیده گرفته شود و به صرف تغییر نحوه ارائه برنامه‌های صوت و تصویر فراگیر، مرجع صدور مجوز نیز تغییر یابد! از این رو مهم‌ترین موضوع به‌روزرسانی قوانین از جمله قانون اهداف و وظایف وزارت ارشاد است و بر همین اساس رسانه‌هایی که توسط شرکت‌های خصوصی اداره می‌شود، باید برای شروع فعالیت و ارائه خدمات در این حوزه، مجوز سازمان صداوسیما را اخذ نمایند.

با تمام این توضیحات روشن و بارها گفته‌شده! به نظر می‌رسد بعضی از هنرمندان و فعالان رسانه‌ای و فرهنگی ذی‌نفع و افرادی خاص به‌صورت واحد و هماهنگ‌شده دنبال تداوم قانون‌گریزی و تامین منافع فردی و قشری هستند. تا جایی که با ایجاد هجمه‌هایی قصد متهم کردن سازمان صداوسیما و انحراف افکار عمومی را دارند! جریان هدایتگر این جبهه برای رسیدن به اهداف‌شان از هیچ کاری حتی پول‌پاشی کلان در میان رسانه‌ها هم نمی‌گذرند!

سپاه ابرهه رسانه و صنف و ... که فضای امن فرهنگی را قربانی می‌کنند

به‌خوبی می‌دانیم که در هر جامعه‌ای رسانه به عنوان بخشی از نظام اقتصادی و مرتبط با نظام سیاسی، ابزاری جهت گسترش بازار و منافع طبقات مختلف است و بعضا گروه‌ها و افراد سیاسی مختلف از آن به عنوان ابزاری جهت حفظ منافع خودشان استفاده می‌کنند اما آیا شایسته است برخی رسانه‌های رسمی کشور که وظیفه تقویت قانون‌گرایی و اهداف کلان فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را دارند با نادیده گرفتن حقوق قانونی رسانه ملی تضمین‌کننده منافع گروهی یا شخصی شوند؟

نکته قابل تامل این است که هنوز امضای مصوبه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی خشک نشده، افرادی به ایجاد هجمه علیه آن برمی‌خیزند و عجیب این‌که این افراد در رسانه‌های دولتی و پست‌های رسمی فعالیت می‌کنند آن هم نه در قواره نقد، بلکه در جایگاه تهاجم! حرکتی که در پیش‌بینی جام جم در یادداشت نخست صفحه اول روز پنجشنبه گذشته از آن به عنوان حرکت سپاه ابرهه یاد شد.

این روند در در رسانه‌ای رسمی تداوم پیدا می‌کند تا جایی که به نقل از یک فعال رسانه‌ای گفته می‌شود؛ «آقایان محترم شورای انقلاب فرهنگی نگران مدیران صداوسیما هم نباشند. آقایان جبلی و جلیلی می‌روند مجوز یک شبکه نمایش خانگی به‌نام جبلی-جلیلی-نت می‌گیرند و همین کارهای درخشان الان را آنجا نمایش می‌دهند». ساخت چنین تیترهای پر غضب و کینه که طعنه به فحاشی می‌زند در مسیر حاشیه‌سازی و پنهانکاری متن قانون و زاییده جریان منفعت‌طلبی است که منافع عمومی را قربانی منافع فردی و قشری می‌کند. منافعی که حتی صنوف را با تمام اولویت‌ها در این مسیر هزینه می‌کند.

هراس عاملان پول‌پاشی از کلید واژه پول کثیف

نکته جالب این است که گروهی از رسانه‌های رسمی و فضای مجازی که خاستگاه معنا دار و مشترکی ندارند، روز گذشته مطلب مشترکی را منتشر کردند. ارجاع رسانه‌هایی که علیه روزنامه جام‌جم مطلبی را نشر داده‌اند، عمدتا مطلب به یک سایت کمتر شناخته شده است که در جریان اغتشاشات سال پیش حاشیه‌ساز شده بود. مطلبی که در واکنش به دو کلید واژه «پول‌کثیف» و «سپاه ابرهه» بدون یک واو تغییر باز نشر شده‌است.

این‌که چرا برخی رسانه‌های شناخته شده، اعتبار خود را بر سر محتوایی گذاشته‌اند که بدون هرگونه استناد به روایتی برساخته از قول روزنامه جام‌جم همه منتقدان را مصداق پول کثیف و سپاه ابرهه کرده، خود جای تامل دارد.

در حالی که به‌یقین این عرصه جایگاه نقد دانش محور است، نه تهاجم بی‌اساس و تهاجم اسمش هرچه باشد، نقد نیست! وتوقع این است رسانه‌های مرجع به تولید محتوا بپردازند ،نه بازنشر کپی متن تکراری. چنین روندی این نکته را تقویت می‌کند که مبادا باز هم پای همان پول‌های کثیف درمیان است

اجماع ساختارهای رسمی در خدمت قانون

این همان جریان خزنده‌ای است که با نفوذ در ارکان مشورت، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، سال‌های تلاش می‌کرد تا فضای نظارت بر پلفرم‌ها به سرانجام نرسد و از این آب گل‌آلود ماهی عادی‌سازی فساد و لاابالی و دیگر اهداف خود را بگیرد.

نکته

پول‌پاشی در رسانه‌ها

تلاش برای دوگانه‌سازی و تحریف نص صریح قانون از سوی رسانه‌های رسمی کشور و ایجاد جبهه در برابر مجری قانون، یعنی صداوسیما، در مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد جریاناتی که از اجرای قانون متضرر می‌شوند از سال‌ها پیش با پول‌پاشی در میان رسانه‌های رسمی کشور تلاش می‌کنند قانون‌گریزی را در کشور نهادینه کنند. این‌که برخی رسانه‌های اصول‌گرا و اصلاح‌طلب هر دو به یک میزان تلاش می‌کنند در برابر قانون موضع بگیرند، فارغ از این‌که نشان می‌دهد این رسانه‌ها از پایین هرم تصمیم‌گیری رسانه توسط خبرنگار و عوامل بیرونی هدایت می‌شود و از طرفی نشان می‌دهد این هم‌جبهه‌گی ضدراهبردی، پشت‌پرده‌هایی دارد که به‌زودی هویدا خواهد شد.